

نفرین ماما عصمت

هاسمیک گیراکوسیان

دانشگاه بین‌المللی آریا (ایروان، ارمنستان)

کتاب *روضات الجنان و جنات الجنان* یکی از موثق‌ترین منابعی است که در باب آثار و نوشته‌های بعضی از اکابر علما و مشایخ آذربایجان و سنن و آداب مذهبی و اخلاقی مردم این منطقه و وصف قسمتی از عمارات و ابنیه تبریز و غیره نوشته شده است.^۱ این کتاب که از مقدمه، هشت روضه و خاتمه تشکیل شده است، در قرن دهم هجری قمری به قلم حافظ حسین کربلایی به رشته تحریر در آمده است. چاپ اول این کتاب در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۹ شمسی به سعی و اهتمام جعفر سلطان القرائی در ردیف انتشارات بنگاه و ترجمه و نشر کتاب انتشار یافت و بار دوم در سال ۱۳۸۳ به طبع رسید.

در زمان تألیف کتاب فوق‌گوشیهای قدیم ایرانی مردم آذربایجان رو به فراموشی رفته بود و مؤلف کتاب به احتمال قوی با آن آشنایی کامل نداشته است. مشکلات قرائت و تفسیر نمونه‌های این گویشها منوط به این امر است. این نمونه‌ها از دید فرهنگ و زبان مردم این منطقه بسیار قابل توجه‌اند.

در کتاب مذکور روایتی درباره ماما عصمت اسپستی که زنی عارفه در زمان جهان‌شاه قراقویونلو

۱. حافظ حسین کربلایی تبریزی، *روضات الجنان و جنات الجنان*، تصحیح جعفر سلطان القرائی، ج ۲، تبریز، ۱۳۸۳.

بوده آمده که در دهکده اسپست نزدیک تبریز می‌زیسته است. در این نمونه جمله‌ای از زبان پیشین آذربایجان، پهلوی یا آذری، آورده شده است.^۱ بنا به این روایت:

«از ثقات مروی است که حضرت ماما را برزگری بوده که به امر زراعت ایشان قیام و اقدام می‌نموده، نوبه‌ای تخم به زمین می‌پاشیده. حضرت ماما حاضر بوده‌اند، فرموده‌اند که این تخم را خوب نمی‌پاشی، آن بخت برگشته را بر زبان جاری شده که شما عورتانید از کار و بار زراعت چه خبر دارید؟ به حال خود باشید. حضرت ماما را جلالیت غالب گشته، فرموده‌اند که: «چکستانی می‌پسندیم» یعنی ای بناگاه مرده نمی‌پسندی مرا؟ همان لحظه در همان جا آن برزگر وفات کرده».^۲ درباره «چکستانی می‌پسندیم» کاغذ و مرکب زیادی تباه شده و بسیاری از پژوهشگران این عبارت را به انواع مختلف توجیه و تفسیر نموده‌اند.

استاد فقید دکتر یحیی ماهیار نوابی در تفصیل این عبارت «چک» (čök) را به معنی خوب، نیک دانسته (در لهجه هرزندی امروز چک یعنی خوب) و بنابراین چکستانی را «بهستان یا بهشت» معنی کرده و عبارت فوق را «ای بهشتی مرا نمی‌پسندی» تشریح نموده است.^۳

محمدامین ادیب طوسی با تکیه به تفسیر استاد نوابی همین جمله را «ای بهشتی، مرا می‌پسند» معنی کرده است.^۴ مرحوم یحیی ذکاء نیز درباره این عبارت ماما عصمت چنین حدس زده است که بخش نخست این عبارت «چکستانی» نیست بلکه «چکستا» است، «نی» به معنی «نه» یعنی حرف نفی است و «می» نیز یا با مجهول به معنی «می» علامت فعل مضارع است که روی هم می‌شود «نمی‌پسندیم» و عبارت را به ترکی: «چاتلامش یا چاتدامش منی بین می‌سن» معنی کرده است.^۵

واضح است که این تفاسیر از حقیقت دورند، زیرا چنانکه از معنی بر می‌آید عبارت فوق نفرینی است که در آن واحد به وقوع پیوسته (با در نظر گرفتن قدرت ماوراءالطبیعه ماما عصمت به مثابه عارفه و فقیه) و طبیعتاً ربطی به بهشت و پسندیدن برزگر ندارد. در فحاشی یا نفرین مخاطب را بهشتی نامیدن اصلاً به هیچ وجه قابل توجیه نیست.

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره ماما عصمت اسپستی رک. عزیز دولت‌آبادی، سخنوران آذربایجان، ج ۲، تبریز، ۱۳۷۷، ص ۵۵۸-۵۵۴. دهکده اسپست اقامتگاه ماما عصمت بین سرد رود و اسکو قرار دارد. از این جاینام می‌توان پنداشت که اصالت زبانی این ناحیه مدتهای طولانی حفظ شده بوده است. اسپست به معنی «شیدر، یونجه» از ریشه ایرانی قدیم *aspa-asti گرفته شده است. رک. (W. Hinz, *Altiranisches Sprachgut der Nebenüberlieferungen*, Wiesbaden, 1975: 45).
۲. ظاهراً این جاینام قدیم به گروه جاینامهایی که از اپونیم (eponym) یا «نیانام» تشکیل می‌شوند تعلق دارد. قس. Aspastes. اسم خاص فارسی باستان که شکلهای یونانی و ایلامی آن ثبت شده است (Encyclopaedia Iranica, vol. II, 788).
۳. حافظ حسین کر بلانی تبریزی، ج ۲، ص ۵۰.
۴. زبان فارسی در آذربایجان، ج ۲، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۶۸-۱۶۷.
۵. همان ۱۸۱.
۶. یحیی ذکاء، جستارهایی درباره زبان مردم آذربایگان، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴-۲۱۳.

با در نظر گرفتن تصحیفاتی که حتماً در حین رونویسی رخ داده است این جمله را نگارنده بسان «جگستانی هپسندیم» بازسازی می‌نماید که ترجمه آن ظاهراً «(تو) از بدانی (گستانی)، ای بد صورت» است.

در این میان در کلمه اول حرف «ج» به «ج» اصلاح و بسان jə بازسازی می‌شود که معادل حرف اضافه «از» در فهلویات آذری است.

کلمه «گستان» با پسوند جمع ān از ایرانی قدیم **gasta-* (**gand->*) یعنی «بد» مشتق شده است. این کلمه در ترکیب «پرگست» *pargast* (**para-gasta->*) در ترجمه‌های قرآن کریم آمده و معنی «خیلی بد، زشت» را می‌رساند.^۱

«م» اول جزء دوم عبارت به نظر نگارنده باید به صورت «ه» یعنی *ha(y)* بازسازی شود که صوتی برای خطاب است.

سپس شکل *-psndym* که در تمام نسخه‌ها آمده است باید به صورت *pysyndym* (پیسیندیم) بازسازی شود و *pīsēn* (یا *pīsīn*) *dēm* (یا *dīm*) به معنی «گریه صورت، بدصورت» تجزیه شود. شکل *pīsēn* (با پسوند *-ēn > *aina-*) از ایرانی قدیم **paisa-* می‌آید. واژه *pīs* (پیس) و مشتقات آن به معنی «بد، کثیف» در طی تحول تاریخی زبانها و لهجه‌های ایرانی تا به امروز دیده می‌شود و ظاهراً کلمه *pes-pes* (*uḷtu-uḷtu*) ارمنی به معنی «رنگارنگ»، *pisak* (*uḷhuuḷu*) «(اسب) خالدار» از همین ریشه مأخوذ است. کلمه **daima-> dēm* به معنی «صورت» در زبانهای ایرانی کاملاً متداول است. به طور کلی *pīsēn dēm* با عبارت فارسی محاوره‌ای «بدترکیب» مطابق است. اصولاً استعمال کلمه «صورت، ریخت» در نفرینها و ناسزاها در زبان فارسی رایج است، مانند «مرده شور ریخت را ببرد» و غیره.

بنابراین نفرین ماما عصمت به شکل «جه گستانی هه پسندیم» *jə gastānī, ha(y)* برابر *pīsēn (pīsīn) dēm (dīm)!* به معنی «تو از بدان هستی، ای بدترکیب» باید بازسازی گردد.

1. D. N. Mackenzie, "The Vocabulary of Lahore Tafsīr", C. E. Bosworth (ed.), *Iran and Islam*, Edinburgh, 1971, 412.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی